

در ادامه پایش‌های میدانی دولت انجام شد بازدید پزشکیان از وزارت نفت



رئیس‌جمهور در ادامه پایش‌های میدانی دولت، دیروز با حضور در ساختمان مرکزی وزارت نفت، وضع صنایع نفت و گاز کشور را از نزدیک بررسی کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان با اشاره به تجارب جهانی در صنعت نفت و گاز، جمع‌آوری گازهای همراه و مشکل را یک ضرورت فنی و اقتصادی دانست و تصریح کرد:بمدیریت بهینه و بهره‌گیری از دانش روز می‌توان از هدررفت انرژی جلوگیری کرد.بهرموری پالایشگاه‌ها با جمع‌آوری گازهای از اولویت‌های وزارت نفت در ارتقای عملکرد مهندسان و متخصصان است.

وی با اشاره به موفقیت وزارت نفت در ایجاد شبکه‌های ارتباطی و سامانه‌های مدیریتی یکپارچه در حوزه نفت و مدیریت یکپارچه در حوزه نفت و گاز را الزامی دانست و اقدامات کنونی در زمینه رصد و پایش قدرانی کرد و افزود: با وجود پیشرفت‌های قابل تقدیر، همچنان ممکن است از برخی مسائل غافل باشیم؛ از این رو تطبیق با استانداردهای جهانی، آموزش فناوری‌های تازه و توسعه سامانه‌های چندجانبه و مؤثر، از اولویت‌های وزارت نفت در ارتقای عملکرد مهندسان و متخصصان است.

نگاه

پیشروان بصیرت چگونه نقد می‌کنند؟

ادامه از صفحه اول

چه خوب است اکنون که معظم‌له چنین مطالبه مهمی از مسئولان دارن، شرط و شروط نقد سازنده را با مروری بر بیانات امام شهیدمان استخراج و چراغ راه کنیم. حضرت آیت‌الله‌عظمی شهید خامنه‌ای نه‌تنها با نقد و مطالبه‌گری مخالف نبودند، بلکه آن را یک فرصت می‌دانستند. ایشان بویژه در دهه ۹۰ در سخنرانی‌های متعددی شاخص‌های نقد و مطالبه‌گری صحیح را بیان فرمودند تا این فضا را به یک مزیت برای پیشرفت کشور تبدیل‌کنند.متأسفانه فضای مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی، در بسیاری موارد از معیارهای حضرت آقا فاصله داشته و دارد، برخی از این معیارها را به جهت اختصار، بدون ارجاع به متن و تاریخ بیانات آقای شهید مرور می‌کنیم. **دلسوزانه و دویستانه بودن نقد:** هم شامل ادبیات نقد می‌شود و هم ساختار آنکه یأس‌آفرین نباشد و امید اصلاح را از بین نبرد.

مسئولانه: با در نظر گرفتن خدا و عاری بودن از اغراض شخصی، امام شهید در این مورد به کسانی اشاره کردند که یک دهه یا بیشتر در کشور همه‌کاره بوده‌اند و بعد از پایان مسئولیت تبدیل می‌شوند به مخالفان. **ارائه راهکار:** راهکار و پیشنهاد متقن داشتن، خط تمایز «قد» و «حق» است. نقدی که راهکار جایگزین ارائه می‌دهد، باعث پیشرفت کشور و نق باعث بن‌ست‌نمایی کشور است.

حای منطق و استدلال درست: تند و تیز و پسر و صدا بودن، بدون ارائه منطق درست، کمکی به اصلاح نمی‌کند، بلکه به تعبیر آقای شهید بند دل مخاطب را پاره می‌کند که «آقا همه چیز از دست رفت!» **توجه به نقاط مثبت و روایت آن، هم‌زمان با نقد نقاط ضعف:** این معیار در شرایط فعلی اهمیت بیشتری می‌یابد. امام شهید در سال آخر به‌ویژه بین ۲ جنگ می‌فرمودند «دولت در شرایط سختی است». خود رئیس‌جمهور هم بارها در تریبون‌های رسمی درباره ضعف‌دولت در مواجهه با شرایط درد دل می‌کرد و اکنون هم این احساس ضعف در دولت مشهود است. در این شرایط باید به دولت کمک کرد با وجود ضعف‌هایش، کار کشور را در حد توانش جلو ببرد و تحت تأثیر فشارهای که می‌دانیم بیشتر از همه از سوی حامیان پیشش است، کم نیابود و کشور را با بحران مواجه نکند. توجه رسانه‌ها به نقاط مثبت، به کارگزار نیرو می‌دهد. این واقعیت را باید قبول کنیم.

اعتراض به یک مدیر یا یک سیاست‌دولت، اعتراض به نظام تلقی نشود: در بسیاری موارد ادبیات نقد حتی در رسانه‌های انقلابی به گونه‌ای که مخاطب آن را اعتراض به نظام تلقی می‌کند. این همان چیزی است که دشمن انتظارش را دارد تا صحنه را صحنه ناامیدی همگان، حتی حامیان نظام از آینده جمهوری اسلامی بازنمایی کند.

با جزئیات: با ذکر جزئیات باشد تا مخاطب اشکال یکی از اجزای یک دستگاه را به اشکال تمام آن دستگاه، بلکه اشکال کل کارگزاران و مدیران و دستگاه‌ها تعمیم ندهد. **فضای مطالبه‌گری پیشانی رسانه را به نزاع تبدیل نکند:** امری که امام سیدمجتبی خامنه‌ای نیز حداقل ۲ بار نسبت به آن تذکر داده‌اند و به‌ویژه از کنشگران سیاسی و رسانه‌ای خواسته‌اند اختلافات غیرموجه و حتی موجه را به صحنه نزاع تبدیل نکنند. نزاع حتی اگر در جهت جهاد تبیین باشد، منافای تصویر وحدت است. رعایت این نکات می‌تواند کشور و انقلاب را از مزایای بلبرکت نقد دلسوزانه و پیش‌برنده بهره‌مند کند.امید که همه دلسوزان انقلاب با دوری از بدبینی‌ها و دلخوری‌ها، توصیه‌های امام شهید و امام حاضر را سرلوحه حرکت‌های انقلابی خود قرار داده و آرزوی نزاع و تفرقه بین مردم ایران را به دل سیاه دشمن بگذارند؛ آن‌شاه‌الله.

چرا ایران همزمان با پایگاه‌های آمریکا مواضع گروهک‌های تروریست را در کردستان عراق هدف قرار داده است

شلیک به انبار تجزیه



صرفاً نیروهای مخالف جمهوری اسلامی دانست. آنها ابزارهای عملیاتی و نیابتی سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی، یعنی سیا و موساد هستند. سابقه طولانی آموزش، تسلیح، تأمین مالی و هدایت این گروهک‌ها در اردوگاه‌های مورد حمایت آمریکایی‌ها و بویژه صهیونیست‌ها، هماهنگی نزدیک با پروژه‌های تروریستی-اطلاعاتی-عملیاتی دشمن و بهره‌برداری از آنها برای ایجاد ناامنی هدفمند در مناطق کردنشین کشورمان، این ارزیابی را کاملاً تأیید می‌کند؛ چه، در جریان اغتشاشات دی‌ماه گذشته نیز شاهد فعالیت قابل توجه تجزیه‌طلبان به نفع پروژه کودتا بودیم. با توجه به این موضوع، ادعاهای ظاهری این گروهک‌ها درباره خودمختاری، حقوق بشر یا دموکراسی، در عمل پوششی برای فراهم کردن زمینه دخالت مستقیم خارجی و پیشبرد دستور کار تجزیه جغرافیایی ایران است.

در جریان جنگ ۴۰ روزه آمریکا و صهیونیست‌ها علیه ایران که از ۹ اسفند آغاز شد، طبق طراحی‌های دقیق و اولیه موساد و سی‌اقرار بود در روزهای نخست پس از حملات هوایی گسترده و پس از ترور رهبر حکیم شهید انقلاب اسلامی و فرماندهان ارشد نظامی، گروهک‌های تجزیه‌طلب کرد به طور هماهنگ وارد فاز عملیات زمینی شوند، جبهه جدیدی را از مرزهای غرب و شمال غرب ایران باز کرده و نیروهای مسلح

عقبه دشمن زیر ضرب

ایران درباره وضعیت حملات تجاوز کارانه آمریکا باز می‌کند، به‌ویژه هشدارهایی که درباره هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های ایران مطرح شده است. هفته گذشته منابع سیاسی و رسانه‌ای آمریکایی و صهیونیستی مدعی شدند ترامپ روز سه‌شنبه جلسهای مهم با مشاوران و تعدادی از مقامات دولت خود برگزار کرده و در

چرا ترامپ به جنگ بازگشت؟

فرضیه محتمل نیست. در جریان جنگ ۴۰ روزه، بسیاری از کارشناسان و حتی حامیان سابق ترامپ در جنبش ماگا، مانند تاکر کارلسون، بارها تصریح کردندلیل همراهی عجیب ترامپ باسیاست‌های جنگ‌طلبانه نتانیاهو، این است که موساد اسناد فساد ترامپ در پرونده جفری اپستین را در اختیار دارد و از طریق این اسناد، وی را مجبور به همراهی با خود کرده است. این ادعا البته در ادامه توسط مقامات سابق دولت آمریکا نیز مطرح شد. آنتونی بلینکن، وزیر سابق خارجه آمریکا چندی پیش تصریح کرد موساد نوارهای فساد ترامپ را در اختیار دارد و با این نوارها، ترامپ را مجبور به لشکر کشی علیه ایران کرد. اوج این افشاگری‌ها در پنجشنبه توسط جی‌دی ونس، معاون ترامپ مطرح شد. ونس پس از بیان صریحی، ابتدا فاش کرد اسرائیل عامل اصلی فشار برای از بین بردن تفاهمنامه خاتمه جنگ با ایران است. او گفت اسرائیل با پول پاشی، باعث شد این تفاهمنامه تخریب و تضعیف شود. اما اوج اظهارات معاون رئیس‌جمهور آمریکا آنجایی بود که تلویحا پشت پرده همراهی ترامپ با این سیاست رژیم صهیونیستی را فاش کرد. ونس گفت جفری اپستین با سیا، موساد و دولت پنهان آمریکا ارتباط داشت. معنی این اظهارات وی کاملاً مشخص است. در واقع، ونس با اشاره به ارتباطات اپستین با موساد و دولت پنهان (که بخش مهمی از آن را لابی‌های صهیونیستی تشکیل می‌دهند) ذهن‌ها را به سمت پشت پرده همکاری و همراهی ترامپ با سیاست‌های نتانیاهو علیه ایران سوق داد. بنابراین وقتی معاون ترامپ چنین اظهاراتی را مطرح می‌کند، کاملاً مشخص است ماجرای اخاذی نتانیاهو از ترامپ بر سر اسناد فساد اپستین، نه یک فرضیه، بلکه یک واقعیت تکان‌دهنده در تاریخ سیاسی آمریکا است.

تنها از این زاویه است که تجدید نظر ترامپ نسبت به تفاهمنامه خاتمه جنگ علیه ایران و بازگشت او به جنگ، توجیه‌پذیر است. اگر فرض را بر این موضوع بگذاریم، آن وقت، نه درباره تصمیم ترامپ برای از سرگیری جنگ علیه ایران باید دنبال استدلال منطقی بود و نه درباره تضاد سناریوهای جنگی احتمالی ترامپ با منافع آمریکایی‌شود حیرت‌زده شد. جنگ علیه ایران قرار نیست منافع آمریکا را تأمین کند، زیرا ترامپ آن را در راستای پیگیری و تحقق اهداف ایالات متحده آمریکا اتخاذ نکرده است.

در همین رابطه روزنامه نیویورک‌تایمز نیز با انتشار گزارشی در اولین روزهای جنگ، تأیید کرد نیروهای کرد مستقر در عراق، واحدهای مسلح آماده ورود به خاک ایران هستند و سیا سلاح‌های سبک و پشتیبانی اطلاعاتی آنها را تأمین کرده است.

جالب توجه و قابل تأمل آنکه، درست یک روز پیش از آغاز حمله گسترده آمریکا و رژیم به ایران (۸ اسفند)، اندیشکده جینسا که روابط نزدیک با محافل امنیتی صهیونیستی دارد و اغلب گزارش‌هایش مبنای تصمیم‌گیری واشنگتن و تل‌آویو قرار می‌گیرد، گزارش تحلیلی مفصلی مبنی بر «ظهور ائتلاف کرد ایران» منتشر کرد. این گزارش به تشکیل «ائتلاف نیروهای سیاسی کردستان ایران» در ۲۲ بهمن اشاره داشت که ۵ گروهک اصلی پاک، حزب دموکرات کردستان ایران، پژاک، سازمان مبارزه کردستان ایران (خبات) و شاخه‌ای از کومله را پس از ۸ ماه مذاکره فشرده، متحد کرده بود.

جینسا این ائتلاف را «یکسی از مهم‌ترین و مؤثرترین پیشرفت‌های سازمانی در فضای اپوزیسیون پراکنده ایران در سال‌های اخیر» ارزیابی کرد و سپس به نقش فعال گروهک‌های کرد تجزیه‌طلب در اغتشاشات موسوم به زن، زندگی، آزادی و کودتای دی ۴۰۴ پرداخت.

این اندیشکده یهودی همچنین با تأکید بر طیف ایدئولوژیک گسترده ائتلاف (از ملی‌گرایان سکولار تا چپ‌های وابسته به حزب کارگران کردستان ترکیه)، از موفقیت آنها در ایجاد مرکز فرماندهی مشترک نظامی، کمیته دیپلماتیک مشترک، منشور مشترک برای دموکراسی و برابری جنسیتی و برنامه‌ریزی برای اداره مناطق آزادشده در دوران گذار پساجمهوری اسلامی تمجید کرد. جینسا در گزارش مورد اشاره، به صراحت توصیه کرد دولت آمریکا باید این ائتلاف را به عنوان شریک اصلی به رسمیت شناسد، تعامل سیاسی رسمی و پایدار برقرار کند، برنامه‌های ظرفیت‌سازی سیاسی و رسانه‌ای اجرا کرده و آن را به طور کامل در استراتژی «فروپاشی جمهوری اسلامی» ادغام کند.

جینسا سیاست‌های گذشته آمریکا (دوران بایدن و اوباما) را به‌شدت نقد و تأکید کرد با تغییر رویکرد ترامپ به تقابل حداکثری با ایران، شرایط برای بهره‌برداری از ظرفیت گروهک‌های تجزیه‌طلب فراهم شده است. زمان‌بندی انتشار این گزارش، دقیقاً پیش از شروع جنگ، به وضوح نشان‌دهنده بخشی از عملیات روانی، آماده‌سازی افکار عمومی و هماهنگی پیشاپیش برای استفاده ابزاری دولت تروریست آمریکا از گروهک‌های تجزیه‌طلب کرد علیه جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به تمام این پیش‌زمینه‌های روشن و مستند، حملات اخیر نیروهای مسلح ایران به مواضع گروهک‌های تروریست کرد در اقلیم کردستان عراق را باید به مثابه عملیات‌های پیش‌دستانه هوشمندانه و ضروری برای خنثی‌سازی تهدیدات ارزیابی کرد. این اقدامات، در شرایطی انجام می‌شود که ترامپ در باتلاق تنگه هرمز گرفتار شده و آمریکایی‌ها نتوانسته‌اند به‌رغم تمام تلاش‌هایی که داشته‌اند، ابتکار عمل در ایسن آبراه راهربری دنیا را از دست ایران خارج کنند. در چنین فضایی، احتمال تلاش آمریکا برای باز کردن جبهه زمینی از غرب و شمال غرب ایران به طور قابل توجهی افزایش یافته و گروهک‌های تجزیه‌طلب نیز به همه آن دلایلی که اندیشکده یهودی جینسا برشمرده بود، دقیقاً به عنوان نوک پیکان و نیروی پیشرو چنین سناریوی خطرناکی طراحی شده‌اند.

در نزدیکی نطنز تهدید کرد: کوهی که ترامپ مدعی است یک تاسیسات جدید هسته‌ای زیر آن قرار دارد.

در برابر این تهدیدات رئیس‌جمهور آمریکا، ایران نیز پاسخ‌های مهمی در چشته دارد. در مقابل تهدید زمینی و اشغال خاک، ایران در کنار برنامه‌ریزی‌ها برای گرفتن تلفات حداکثری از آمریکا، قطعاً جغرافیای جنگ زمینی را گسترده خواهد کرد؛ طری‌حی که باعث می‌شود ترامپ نه‌تنها نتواند یک معادله میدانی مطلوب را تثبیت کند، بلکه معادلات کاملاً به سود ایران و جبهه مقاومت تغییر خواهد کرد. یکی دیگر از طرح‌های ایران که شاید بتواند آن را مهم‌ترین طرح ایران نیز قلمداد کرد، به صفر رساندن یا کاهش شدید صادرات نفت از منطقه است. انصارالله یمن آماده مسدود کردن تنگه باب‌المندب است و این موضوع را به طرق مختلف اعلام کرده. از سوی دیگر به اعتقاد کارشناسان، خط لوله انتقال نفت ینبع در عربستان، یکی از اهداف مهمی است که در کاهش شدید صادرات نفت یا حتی به صفر رساندن آن بسیار مؤثر است. در صورتی که ایران این سناریو را اجرایی کند، بازار انرژی دنیا وارد یک بحران عظیم و بی‌سابقه خواهد شد. بحرانی که می‌تواند حتی بر سرنوشت و آینده سیاسی اثر منفی بگذارد. اکنون حتی در حملات موشکی و پهپادی روز شنبه توسط ایران، این تهدیدات کاملاً معتبر شده است. در کنار همه این گزاره‌ها، سرنوشت تنگه هرمز نیز بسیار مهم است. به اعتقاد کارشناسان، در صورتی که حملات جدید آمریکا به ایران پایان یابد و ایران همچنان بر تنگه هرمز مسلط بوده و کنترل آن را در دست داشته باشد، این به معنی سند شکست مفتضحانه ترامپ است. وی جنگ جدید را به بهانه کنترل ایران بر ترده‌ها در تنگه هرمز به راه انداخت. اگر او در جنگ جدید نتواند کنترل تنگه هرمز را به دست بگیرد، سند شکست خود را امضا کرده است. سرنوشت تنگه هرمز، موضوعی نیست که ترامپ بتواند به‌سادگی از کنار آن بگذرد. ترامپ درباره جنگ جدید علیه ایران، هر ادعایی در سر داشته باشد، نمی‌تواند نسبت به آینده کنترل تنگه هرمز چشم‌پوشی کند.جان مرشایمر، اسناددانشگاه‌شیکاگو و نظریه‌پرداز معروف آمریکایی در این باره نظر جالب و قابل تأملی را مطرح کرده است. مرشایمر روز جمعه تصریح کرد تحت هر شرایطی ترامپ نمی‌تواند مداخلات نظامی و سیاسی موجود با ایران علیه ایران سرنشود. نتیجه‌اش این است که ترامپ خواهد داشت. مرشایمر بر همین اساس گفت در پایان جنگ جدید، اگر ترامپ ادعای پیروزی کند، قطعاً نمی‌تواند این ادعا را به همه القا کند. منظور مرشایمر این است که هم افکار عمومی و هم محافل سیاسی و کارشناسان، نگرش دقیق و واقع‌بینانه‌ای نسبت به جنگ آمریکا علیه ایران دارند. بنابراین در پایان این دور از حملات آمریکا به ایران، اگر ترامپ بخواهد ادعای پیروزی کند – که احتمالاً این ادعا را مطرح خواهد کرد– دنیا قضاوت دیگری درباره نتیجه این جنگ خواهد داشت.